

The analysis of the ideational meta-function of the sermon of Hazrat Zainab(PBUH) based on Halliday's functional grammar

Reza Rezaei¹ , Mohadese Delaram nezhad² 

¹Assistant professor of language and Arabic literature faculty, University of Sistan and Baluchestan ,Iran.

²Ph.D. student of language and Persian literature faculty, University of Sistan and Baluchestan,Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
07/11/2021
Accepted:
12/04/2022

The systematic functional grammar of Michael Halliday, an English linguist, is one of the most important pillars of functional linguistics, which emphasizes the importance of function and meaning and examines texts by relying on three ideational, interpersonal and textual Meta functions. Meta function of thought is based on six processes: material, verbal, mental, relational, existential and behavioral. In Halliday's view, the text is analyzed based on the function of these processes. In this research, the sermon of Hazrat Zeinab (PBUH) has been analyzed according to Halliday's theory in the field of meta-function of thought to receive and determine the linguistic process of the sermon. The present research tries to compare the linguistic processes of Hazrat Zeinab (PBUH) descriptively and statistically by adapting this model to the Sham sermon. The results show that the material process has the highest frequency because Hazrat Zainab (PBUH), as the ambassador of Karbala and the messenger of this movement, tried to enlighten the people and reveal the facts that occurred in Karbala. Therefore, the material process has the greatest capacity for this important issue. The material process has the greatest capacity to communicate this important point. In this mental process, the most important goal of the orator is to draw the audience's attention to her intellectual and ideological errors. Direct addressing and using the motivational power of commanding and forbidding actions have been aimed at influencing the audience's thought

Keywords: Functional Linguistic, Halliday, Sermon of Hazrat Zeinab (PBUH), Ideational Meta-Function.

Cite this article: Rezaei, Reza , Delaram nezhad, Mohadese.(2022). The analysis of the ideational meta-function of the sermon of Hazrat Zainab(PBUH) based on Halliday's functional grammar, *Vol. 13, New Series, No.48, Summer 2022*: pages:41-64.



DOI: 10.30479/lm.2022.16472.3324

© The Author(s)

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Reza Rezaei

Address: Associate Professort, Arabic language and literature,
University of Sistan and Baluchestan,Zahedan,Iran.

E-mail: Rrezaei@lihu.usb.ac.ir

تحلیل فرانتش اندیشگانی خطبه حضرت زینب (س) بر اساس دستور نقش‌گرای هلیدی*

رضا رضایی^{۱*}، محدثه دلارام نژاد^۲

^{۱*}دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۲دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	دستور نقش‌گرای نظام‌مند «مایکل هلیدی» زبان‌شناس انگلیسی یکی از مهم‌ترین ارکان زبان‌شناسی نقش‌گرا محسوب می‌شود که بر اهمیت نقش و معنا تأکید می‌ورزد. این دستور با تکیه بر سه فرانتش اندیشگانی، بینا فردی و متن به بررسی متون می‌پردازد. فرانتش اندیشگانی مبتنی بر شش فرآیند مادی، کلامی، ذهنی، رابطه‌ای، وجودی و رفتاری است. در دیدگاه هلیدی، متن بر اساس کارکرد این فرایندها تحلیل می‌شود. در این پژوهش خطبه حضرت زینب (س) با توجه به نظریه هلیدی در حیطه فرانتش اندیشگانی به‌منظور دریافت و تعیین فرآیند زبانی خطبه مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش دارد با انطباق این الگو بر خطبه شام حضرت زینب (س) فرایندهای زبانی این خطبه را به شیوه توصیفی - تحلیلی و آماری مورد مقایسه قرار دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرآیند مادی بیشترین فراوانی را دارد زیرا حضرت زینب (س) به‌عنوان پیام‌رسان نهضت کربلا سعی در روشن‌گری مردم و افشای حقایق رخ‌داده در آنجا را داشته است. فرآیند مادی بیشترین ظرفیت را برای ابلاغ این مهم داراست. در فرآیند کلامی خطاب مستقیم و استفاده از قدرت انگیزشی افعال امر و نهی با هدف تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب کار رفته است. در فرآیند ذهنی مهم‌ترین هدف خطیب توجه دادن مخاطب به خطای فکری و عقیدتی اوست و در جایگاه بعدی به ترتیب فرآیند رفتاری، ربطی و وجودی قرار دارد.
مقاله پژوهشی	کلمات کلیدی: زبان‌شناسی نقش‌گرا، هلیدی، خطبه حضرت زینب (س)، فرانتش اندیشگانی
دریافت:	
۱۶۰۰/۰۸/۱۶	
پذیرش:	
۱۶۰۱/۰۱/۲۳	

استناد: رضایی، رضا؛ دلارام نژاد، محدثه؛ (۱۴۰۱). تحلیل فرانتش اندیشگانی خطبه حضرت زینب (س) بر اساس دستور نقش‌گرای هلیدی، سال سیزدهم، دوره جدید، شماره چهل و هشتم، تابستان ۱۴۰۱: ۶۴-۴۱.

DOI: 10.30479/lm.2022.16472.3324

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) © نویسنده‌گان.



۱. مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا یا زبان‌شناسی کارکردگرا یکی از رویکردهای نظری در زبان‌شناسی است که در مقابل زبان‌شناسی ساخت‌گرا قرار می‌گیرد. «نقش‌گرایی رویکردی است که می‌کوشد تا زبان را در درون خود و به‌طور ذاتی و برحسب امکانات صورتی‌اش توضیح دهد و نیز در تلاش است تا رابطه‌اش را با نظام‌های بزرگ‌تری که آن را در خود گرفته‌اند مورد مطالعه قرار دهد؛ خواه نظام‌های بزرگ را فرهنگ بنامیم خواه نظام اجتماعی یا نظام‌های اعتقادی یا چیزی دیگر. خلاصه آنکه مطالعات نقش‌گرای به جستجوی رابطه‌ای میان زبان و آنچه زبان نیست، می‌پردازد». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) برجسته‌ترین نظریه‌پرداز این رویکرد مایکل هلیدی است. «در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، هدف اصلی زبان انتقال معنا تلقی می‌شود. برای تبادل معنا است که انسان‌ها از زبان استفاده می‌کنند و از طریق زبان آنچه را که در جهان درون و بیرون آن‌ها می‌گذرد، بیان می‌کنند. در این نظریه زبان مجموعه‌ای از لایه‌های مختلف معنایی است که با هم و در مجموع کار انتقال معنا را انجام می‌دهند. این لایه‌های سه‌گانه عبارت‌اند از: نخست؛ لایه معنایی تجربی یا فرانش تجربی که از طریق آن تجربیات جهان درون و بیرون ذهن انسان منتقل می‌شود و وقایع، اندیشه‌ها و حالت‌ها بیان می‌گردد. دوم؛ لایه معنایی یا فرانش بینافردی که در آن از زبان برای بیان نظریات و تأثیرگذاری بر افکار و تصورات دیگران استفاده می‌شود. سوم؛ لایه معنایی متنی که در آن پیام در بافت شکل می‌گیرد». (غفاری‌مهر، ۱۳۸۳: ۳) «دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی از همان ابتدا با اهداف کاربردی تدوین شده است. به عقیده هلیدی، به کمک این دستور می‌توان نتیجه‌گیری‌های عملی و مستندی را در مورد انواع متون آموزشی، علمی، ادبی و عمومی به دست داد.» (ابوالحسنی و میر مالک ثانی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

تحلیل متون دینی و اسلامی با نظریه‌های جدید زبان‌شناسی راهی را هموار می‌کند تا زیبایی‌های نهفته در این متون فاخر متجلی شود و رازهای تأثیرگذاری آن‌ها بر مخاطب به طریق علمی و مستدل گشوده گردد. «زبان‌شناسان مسلمان (و البته غیرمسلمان) نیز نگاه ویژه‌ای به قرآن، ادعیه و کتب مقدس اسلامی داشته به طوری که ماحصل آن مکاتب مختلف زبان‌شناسی چون مصری، بصری و کوفی و شاخه‌های متعدد زبان‌شناسی چون فقه، علم‌اللغه، علم‌اللسان و... بوده است.» (عرب زوزنی: ۱۳۹۴، ۳)

مطالعات جدید زبان‌شناسی فرصتی ایجاد کرده است تا تحلیل متون با رویکردهای علمی در حیطه مدنظر قابل‌اعتمادتر و مستندتر جلوه کند. خطبه حضرت زینب^(س) در مجلس یزید در شام از نظر محتوایی و از جهت غنای مفهومی، اصالت و استواری کلام در ردیف خطبه‌های قابل‌ملاحظه ادبی است. پژوهش حاضر با عنایت به فرانش اندیشگانی هلیدی سعی کرده است تا عوامل مؤثر زبانی و لطایف گفتاری موجود در خطبه را به شکل مستند و علمی مشخص نماید و بیان کند کدام فرایندها کاربرد بیشتری در بیان معانی مقصود را خطبه داشته‌اند؟ با بررسی فرآیندهای شش‌گانه و تحلیل ساختاری مندرجات هر فرآیند

تجارب، تفکرات، ذهنیات خطیب و اثر انگیزی کلام با هیات و ساختار مذکور بر مخاطب مشخص خواهد شد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

خطبه‌های حضرت زینب (س) به واسطه فصاحت، بلاغت و تأثیرگذاری آن همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده مطالعاتی که در مورد خطبه‌های حضرت زینب (س) انجام شده است در حیطه زیبایی‌های زبانی این اثر و فصاحت و بلاغت و اقتباس‌های قرآنی و گفتمان تاریخی آن بوده است. از آن جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: حسینی اجداد کیانی (۱۳۸۸) به تجزیه و تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب (س) در کوفه پرداخته است. هدف نویسنده، تبیین آرایه‌های ادبی و فصاحت و بلاغت آن بوده است. نصرآوی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر گفتمان کاوی تاریخی» نگاهی گفتمانی، با بهره‌گیری از روش توصیفی فرکلاف و نظریه آوای متعارض باختین داشته است. رنجبر حسینی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل اقتباس‌های قرآنی خطبه حضرت زینب (س) در شهر شام» به استناد آیات قرآن به بیان عهدشکنی مردم، مظلومیت و حقانیت امام حسین (ع) و رسوا نمودن بنی‌امیه پرداخته است. نویسنده بیان کرده که هدف خطیب از استنادهای قرآنی القای مقصود به صورت کنایی به مخاطبان بوده است. رحمان‌پور وانصاری (۱۳۹۸) در مقاله «بازتاب جنسیت در سبک گفتار زنانه و مردانه از منظر رایین لیکاف» به بررسی خطبه حضرت زینب (س) و امام سجاده (ع) در کوفه پرداخته‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بین این دو خطبه تمایز برجسته و معناداری وجود ندارد و نظریه لیکاف به طور کامل اثبات نشده است.

اما در حیطه نظریه هلیدی، در سوره‌های قرآن، مقالات متعددی نوشته شده که کارایی نظریه هالیدی در ترسیم انسجام متنی و واژگانی سوره‌های قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما به دلیل جلوگیری از اطباب از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. با توجه به اینکه تاکنون مقاله‌ای به تحلیل خطبه حضرت زینب (س) از دیدگاه نظریه نقش‌گرای هلیدی نپرداخته است، ضرورت انجام این پژوهش احساس می‌شود.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. نظریه هلیدی

در زبان‌شناسی نظری قرن بیستم، سه رویکرد عمده وجود داشت که عبارت‌اند از: زبان‌شناسی صورت‌گرا، زبان‌شناسی نقش‌گرا و زبان‌شناسی شناختی. هر یک از رویکردها خود شامل زیرمجموعه‌هایی می‌شود. زبان‌شناسی شناختی که فصل مشترک آن‌هاست به ترتیب عبارت است از: «تلقی زبان به‌عنوان نظامی ساخت بنیان و ریاضی‌گونه، نظامی برای ایجاد ارتباط و نظامی شناختی». (دبیر مقدم، ۱۳۷۸: ۱۳)

به بیانی دیگر این سه نگرش، در واقع سه رویکرد به زبان‌اند، به این معنی که از سه منظر مختلف، زبان را تعریف کرده و مورد مطالعه قرار داده‌اند. صورت‌گرایان به ساختار زبان و روابط منطقی زبان بدون توجه به معنی آن تأکید دارند ولی نقش‌گرایان، مطالعه متن و گفتمان را محور کار قرار می‌دهند و به زبان، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی می‌نگرند. زبان‌شناسی نقش‌گرا را یکی از رویکردهای نظری در زبان‌شناسی می‌دانند که در برابر زبان‌شناسی صورت‌گرا در دوران معاصر توانسته است به‌خوبی از تحلیل متون برآید. موفقیت الگوی نقش‌گرای مایکل هلیدی در این زمینه قابل‌ملاحظه است. (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲) هلیدی زبان و بافت آن را محصول موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌داند. او برخلاف چامسکی زبان را پدیده‌ای ذهنی نمی‌داند بلکه به عقیده او زبان پدیده‌ای اجتماعی و در معرض تغییر و تبدیل است. این نکته اساس زبان را می‌سازد. چراکه موجود اجتماعی و در معرض اجتماع، دائم در حال تغییر است و گوناگونی و تنوع را می‌پذیرد. (هلیدی، ۱۳۹۳: ۱۱)

در نظریه هلیدی، معنا محور اصلی است و رفتار، اندیشه و ایدئولوژی گوینده در قالب زبان بیان شده و به مخاطب منتقل می‌شود. هلیدی در این نظریه می‌کوشد «از سطح مطالعات جمله و مطالعات نحوی فراتر رود و به مفهوم متن، شکل‌گیری زبان متن، بافت متن و عوامل داخل شده در آن پردازد.» (سجودی، ۱۳۹۰: ۹۶) «هلیدی معنای بندهای زبانی را به‌صورت سه لایه معنایی، در چارچوب فرا نقش‌های سه‌گانه اندیشگانی تجربی، انفرادی و متنی تبیین می‌کند. فرانش اندیشگانی یا تجربی به آن بخش از معنا، مربوط است که حاصل ارتباط ما با جهان بیرون و تجربه حاصل از آن است» (امینی: ۱۳۹۱، ۷) هلیدی تأکید دارد که زبان همیشه از این سه فرانش بهره می‌برد و هیچ سلسله‌مراتب خاصی میان آن‌ها برقرار نیست و هریک از سه فرانش‌ها همچنین نقشی کلیدی در بسط گستره نشانه‌شناسی اجتماعی نظریه زبان هلیدی ایفا کرده‌اند. (لیوون، ۱۲۹۵: ۱۶۱)

در نظریه نقش‌گرای هلیدی، شش فرآیند در زبان ایفای نقش می‌کند که سه مورد از آن‌ها فرآیند اصلی و سه مورد دیگر فرایندهای فرعی است. فرایندهای اصلی عبارتند از: فرایند های مادی؛ ذهنی و ربطی و فرایندهای فرعی عبارتند از: فرایندهای رفتاری، بیانی و وجودی است. «فرایندهای فرعی، دارای برخی ویژگی‌های دو فرآیند اصلی مجاور خود هستند به‌طوری‌گانه تشخیص و بازشناسی آن‌ها از فرآیند مجاور اصلی مشکل می‌شود.» (حقی‌بین، ۱۳۸۲: ۱۲۴) بی‌گمان با استفاده از این فرایندها، بررسی و تحلیل دقیق جمله سهل می‌شود و درنهایت، راهی را برای دریافت و گشایش عمیق مفاهیم اصلی متن فراهم می‌کند.

۳. بررسی خطبه حضرت زینب^(س) از دیدگاه هلیدی

خطبه حضرت زینب^(س)، با توجه به مضمون، محتوا، بافت موقعیتی و جنسیتی دارای ویژگی‌هایی است که بر اساس دیدگاه هلیدی ابعاد نهفته‌اش بارزتر و واضح‌تر خواهد گردید. این تحلیل کمک می‌کند تا

قابلیت‌های ادبی خطبه به شکلی مستدل و مستند نمایانده شود. زبان‌شناسان متن را یک نظام بسته نمی‌دانند بلکه معتقد به رابطه میان متن و محیط هستند. (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۱۵). مفاهیم بکر و صلابت و قوتی که در این خطبه ملاحظه می‌شود، حاصل تأثیر عمیق و مستقیم بافت موقعیتی و اقتضائات زمانی و مکانی بر ذهن و زبان گوینده خطبه است. این مقتضیات، در جهت‌دهی تفکر خطیب و ساختار زبانی او اثر قابل توجهی داشته است.

خطبه شام حضرت زینب (س) سرشار از معارف عمیق الهی، بیان واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و افشای ماهیت دون مدعیان خلافت اسلامی بود. این خطبه فراخور اتفاقات رخ داده، مخاطب و فضایی که بر آن حاکم بود اسلوبی خاص را می‌طلبید که «می‌توان اسلوب برهان و استدلال همراه با مقداری عاطفه را مناسب با موقعیت آن‌ها دانست». (روشنفکرو محمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۴)

در مورد اصل خطبه حضرت زینب (س) کتاب‌ها و سخنرانی‌های فراوانی موجود است که بر این مهم تأکید می‌کنند ولی در این نوشته سعی شده با دیدی جدید به سخنان ایشان پرداخته شود. تا شاید بتوان گوشه‌ای از این کلام فاخر را درک کرد و رازهای ناگشوده آن را فاش کرد.

«بررسی نقش اندیشگانی در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند برای تحلیل نگرش نویسنده و نوع‌گزینش سبکی وی کارایی دارد.» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) هلیدی فرایندها را به سه گروه فرآیند اصلی شامل فرآیند مادی، فرآیند رابطه‌ای و فرآیند ذهنی و سه گروه فرآیند فرعی، شامل فرآیند رفتاری، وجودی، کلامی تقسیم کرده است. در بررسی و تحلیل فعل‌ها بر اساس فرانقش اندیشگانی، می‌توان به کارکردهای زبان و جهان‌بینی گوینده پی برد و هدف و معنای وی را از گزینش واژگان درک کرد. در تحلیل خطبه، ابتدا فرآیند مادی با ساختارها و افعالی که متضمن این نوع فرآیند هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن فرایندهای دیگر تحلیل خواهند شد.

۳-۱. فرآیند مادی

فرآیند مادی شامل اتفاقاتی است که تجربه‌های خارج از ذهن هستند و بر انجام کاری و وقوع رخدادی دلالت می‌کند. نظیر ساختن، نوشتن، باز کردن و... (هلیدی، ۱۳۹۳: ۲۶) «در این نوع فرآیند، منبع انرژی به وجود آورنده تغییر شرکت‌کننده‌ای است که کنشگر نامیده می‌شود. کنشگر اغلب و نه همیشه، فاعل جمله است. البته باید توجه داشت که در جملات مجهول (به علت نامشخص بودن کنشگر اصلی) می‌توان از کنشگر صرف نظر کرد.» (نیازی، ۱۳۹۸: ۳۵)

وقوع جنگ و تنش‌ها و پیامدهای آن با فعل‌هایی مانند گرفتن، کشتن، هتک حرمت کردن، نازل شدن، انتقام گرفتن و... بیان شده است. فعل‌هایی که دلالت بر معانی فوق دارند در فرآیند مادی قابل‌بحث هستند و ذکر فعل‌های این فرآیند مبین عمل فیزیکی است که بیانگر رخداد و کنش در جهان بیرون است. حضرت

زینب^(س) در بیان این خطبه هدفی جز بیان حقانیت نهضت امام حسین^(ع) و قیام ایشان و رسوا نمودن امویان نداشت. قطعاً ارائه این تصویرها جز با فرآیند مادی امکان‌پذیر نیست.

حضرت زینب^(س) سعی دارد فضای عینی و تجربه‌پذیر را بر سخنشان حاکم کند. این فرآیند مادی است که به کمک این هدف می‌آید تا به متن تحرک و پویایی بدهد و واژه‌ها را برای مخاطب ملموس و قابل‌درک کند.

فرایند مادی					
أَخَذَتْ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ			فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسْرَاءُ		
فرایند مادی	هدف	کنشگر	فرایند مادی	هدف	کنشگر
اخذت	اقطار الارض	ضمیر ت	نساق	الاسرا	نحن مستتر
لِيُرَادُوا أَثْمًا			قَدْ هَتَكَتِ سَتُورَهُنَّ		
لیردادوا	اثماً	ضمیر متصل واو	قدهتکت	ستورهن	ضمیر متصل ت
أَبْدَيْتَ وَجُوهَهُنَّ			تَحَدَوْ بِهِنَّ الْإِعْدَاءَ مِنْ بَلَدِ الْيَلْبُدِ		
ابدیت	وجوه	ضمیر متصل ت	تحدو	هن	الاعداء
اسْتَأْصَلَتِ الشَّافَةَ			إِرَاقَتِكَ دِمَاءَ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ ص		
استأصلت	الشافه	ضمیر متصل ت	إراقتک (تریق)	دماء	ضمیر مستتر
فَلْتَرِدْنَ وَشَيْكًا مَوْرِدَهُمْ			خُذْ لَنَا بِحَقِّنَا		
فلتردن	موردهم	ضمیرات مستتر	خذ	حقنا	ضمیرات
وَ أَنْتُمْ مِنْ ظَالِمِنَا			وَ أَخْلَلْ غَضْبِكَ بِمَنْ سَفَكَ دِمَاءَ		
انتقم	من ظالمنا	ضمیرات مستتر	احلل	غضب	ضمیرات مستتر
قَتَلَ حِمَاتِنَا			مَا قَرَيْتَ إِلَّا جِلْدَكَ		
قتل	حماتنا	هو مستتر	ما قریت	جلدک	ضمیر متصل ت
لَا حَزْرَتَ إِلَّا لِحِمِّكَ			بِمَا تَحَمَّلْتَ مِنْ سَفْكِ دِمَاءِ ذُرِّيَّتِهِ		
لا حزرت	لحمک	ضمیر متصل ت	تحملت	من سفک	ضمیر متصل ت
أَنْتَهَكْتَ مِنْ حُرْمَتِهِ فِي عَتْرَتِهِ وَ لِحِمَّتِهِ			يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَهُمْ		
انتهکت	حرمته فی عترته	ضمیر متصل ت	يجمع	شملهم	الله
يَلْمُ شَعْتَهُمْ			يَأْخُذُ بِحَقِّهِمْ		
يلم	شعتهم	ضمیر هو مستتر	ياخذ	حقهم	ضمیر هو مستتر
فَتَلُّوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ			بِرِزْقُونَ		
فتلوا	فی سبیل الله	واو ضمیر متصل	برزقون	عند ربهم	ضمیر متصل واو
لَنْ جَرَّتْ عَلَيَّ الدَّوَاهِي			لَأَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ		
جرت	مخاطبتک	الدواهی	لاستصغر	قدرک	ضمیر انا مستتر
وَأَسْتَعْظِمُ تَفْرِيعَكَ			وَأَسْتَكْتِرُ تَوْبِيخَكَ		
لاتعظم	تفریعک	ضمیر الم مستتر	استکتر	توبیخ	ضمیر انا مستتر

فَهَذِهِ الْأَيْدِي تَنْظِفُ مِنْ دِمَانِنَا		أَتَمَّا تُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا تُمْلِي لَهُمْ	
تَنْظِفُ	دِمَانِنَا	ضمیر هی مستتر	نملی
و تُعَفِّرُهَا أُمَهَاتُ الْفِرَاعِلِ		و لِّئِن آتَخَذْتَنَا مَغْنَمًا لَتَجِدَنَّآ وَشِيكَآ مَغْرَمًا	
تُعَفِّرُهَا	ها	أُمَهَاتُ الْفِرَاعِلِ	مَغْنَمًا
خَتَمَ لَأَوْلَانَا بِالسَّعَادَةِ		نَاصِبٌ جُهْدَكَ	
خَتَمَ	بِالسَّعَادَةِ	ضمیر هو مستتر	نَاصِبٌ
أَنْ يَكْمَلَ لَهُمُ التَّوَابَ		يُوجِبُ لَهُمُ الْمَزِيدَ	
أَنْ يَكْمَلَ	التَّوَابَ	ضمیر هو مستتر	يُوجِبُ
و الْآفُوَاهُ تَتَحَلَّبُ مِنْ لُحُومِنَا		لَتَجِدَنَّآ وَشِيكَآ مَغْرَمًا	
تَتَحَلَّبُ	لُحُومِنَا	ضمیر هی مستتر	لَتَجِدَنَّآ
إِلَّا مَا قَدَمْتَ يَدَاكَ		فَكَدَّ كَيْدَكَ	
یداک	-	قدمت	کد
و أَسْعَى سَعِيكَ/ صَفَا لَكَ مَلَكُنَا		كَيْفَ يَسْتَبِطُ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا بِالشَّنْفِ	
و أَسْعَى	سعی/ملک	ضمیر انت مستتر	يَسْتَبِطُ
مَا فَعَلْتَ		الَّذِينَ أَسَاؤًا سِوَايَ أَنْ كَذَبُوا	
ما فعلت	-	ضمیر متصل ت	اساوا
مَكَانِكَ مِنْ رِقَابِ الْمُسْلِمِينَ			
مکن	ضمیر متصل ک	ضمیر هو مستتر	

جدول فوق متضمن افعالی با فرآیند مادی است. جدول نشان می‌دهد که خطیب با به‌کارگیری افعال مادی بر وجود کنشگر، به‌عنوان عامل اصلی وقایع رخ داده، تأکید می‌کند. او با همراه کردن پی‌درپی فرآیندهای مادی «أَخَذَتْ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ»، «قدهتکت ستورهنن»، «ابديت و جوههنن»، «تحدو بهن الاعداء من بلد الى بلد» سعی در عینیت‌بخشی وقایع رخ داده در کربلا و حوادث پس از آن دارد. کنش‌های مادی در بعد معنایی مؤکد جنایت واقع شده هستند و در بعد ساختاری، شدت و غلظت کنش‌ها را تأیید و تقویت می‌کنند. افعالی با مضمون فراخنای زمین را بر ما تنگ کردن، حرمت‌ها را شکستن، چهره‌های اهل بیت را در معرض دید دشمن قرار دادن، نهیب زدن بر خاندان پیامبر (ص) شسته شدن دستان شما از خون ما، همه کنش‌هایی با افاده خشونت، غلظت و غضب هستند. لذا در بعد ساختاری و زبانی، افعال به‌کار گرفته شده، مدلول معنایی‌شان را برجسته ساخته‌اند تا هماهنگی بین کارکرد ساختاری و مفهوم خطبه، واقعی و مؤثر نمایانده شود.

کنشگران در این فرآیند به سه بخش تقسیم می‌شوند، بخش اول، حضرت زینب که راوی خطبه است و با ضمیر متکلم وحده ومع الغیر بیان شده است «لَأَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ»، «وَأَسْتَكَثِرُ تَوْبِيحَكَ». بخش دوم آیات

قرآنی و گفت‌وگو و مناجاتی است که حضرت زینب (س) با پروردگار متعال داشت «خُذْ لَنَا بِحَقِّنَا». سومین کنشگر که قسمت اعظم خطبه را فرامی‌گیرد، یزید است که به صورت ضمیر مستتر، «انت» و ضمیر متصل «ت» آمده است. «لَا حَزْرَتْ إِلَّا لِحَمَكَ»، «لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَمْتَ يَدَاكَ». از آنجاکه یزید، نقش اصلی در شکل‌گیری خطبه داشته است، تمامی کنش‌های ذیل بحث، در جهت برجسته کردن اتفاق رخ داده هستند و تأکیدی بر ظلم یزید و آشکار کردن فعل سوء او دارند.

قابل توجه است که در حیطه افعال، برخی قیدها که رابطه مستقیم با فعل دارند در این فرایندها نادیده انگاشته می‌شوند، حال آنکه این قیدها در افاده معنا، اثر کلیدی دارند. به‌عنوان مثال، در عبارت: «نَسَاقَ سَوْقِ الْإِمَاءِ» مفهوم معنایی مفعول مطلق و شأن مذهبی نایب فاعل هر دو نکته تازه‌ای به فعل افزوده‌اند. در دستور نقش‌گرا، اعتبار به نفس کنش داده می‌شود. لذا ساختارهای قیدی، که در معنای کنش، مؤثر هستند، مغفول مانده و قابلیت اندازه‌گیری پیدا نمی‌کنند. این محدودیت در سایر کنش‌ها هم دیده می‌شود.

۳-۲. فرآیند لفظی (بیانی / کلامی)

فرآیند لفظی، جزو فرایندهای فرعی است و شامل افعالی از نوع گفتن مانند صحبت کردن و گزارش دادن است. (هلیدی، ۱۳۹۳: ۲۷) فرآیند کلامی در این خطبه، با فعل‌هایی در ساختار مخاطب و با استفاده از افعال گفتاری و شنیداری و حتی ندایی تجلی پیدا کرده است. منادا خلیفه است که عامل اصلی بروز وقایع کربلاست.

گوینده خطبه، حضرت زینب (س) است و مخاطب آن، یزید و سران حکومتی لشکری حاضر در مجلس هستند. خطیب در آن مجلس، دستگاه خلافت را به خاطر جنایت‌ها و بیدادگری‌هایش محکوم ننگ و رسوایی آن‌ها را آشکار کرد او صراحتاً یزید را با عباراتی چون «أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ ...»، «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ تُخْدِرُكَ حَرَائِرُكَ وَإِمَانُكَ وَ سَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ص سَبَابًا قَدْ هَتَّكَ...» و «وَكَيْفَ يُرْتَجَى مِرَاقِبَةٌ مِّنْ لَفْظٍ فَوْهَ أَكْبَادِ الْأَذْكَيَاءِ وَنَبْتِ لِحْمِهِ مِّنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» مورد خطاب قرار می‌دهد و بر حقانیت و اصالت خاندان خود تأکید می‌ورزد.

فرآیند لفظی							
فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ				صَلَّى اللَّهُ			
گوینده	دریافت کننده	فرآیند لفظی	نقل قولی	گوینده	دریافت کننده	فرآیند لفظی	نقل قولی
حضرت زینب (س)	هی مستتر	قالت	فَقَالَتْ رَبِّ رَبِّ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَالَمِينَ	حضرت زینب (س)	الله	صلی

صدق الله سبحانه				يقول			
خدا	هم	صدق	آیه قرآن	(الله)	هو مستتر	يقول	آیه قرآن
كذبوا بآيات الله				ثُمَّ تَقُولُ غَيْرَ مَا تَمْتَنُونَ			
واو ضمیر	واو	كذبوا	انت	هم	تقول
ثم قالوا يا يزيد لا تسئل				لا تقول ذلك			
واو ضمیر	يزيد	قالوا	يا يزيد	انت مستتر	هم	لا تقول	ذلك...
وتَهْتَفُ اشياخك				قَوْلَهُ لَا تَمَحُودُ كَرْنَا			
ضمیر	باشياخك	تهتف	ضمیرانت	انت	فوالله	لا تمحودكرنا
انت مستتر				مستتر			
يَوْمَ ينادي المُنَادِي أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ							
منادی	انت	ينادي	أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ	عَلَى	الظَّالِمِينَ		

شاخصه فرآیند کلامی در خطبه مبین آن است که خطبه جنبه گفت‌وگویی دارد. مخاطب اغلب یزید و حاضرین در مجلس هستند. نقل قول‌های قرآنی که در طول خطبه مکرر به آن استناد شده، جنبه کلامی متن را قوت بخشیده است. گزینش هوشمندانه آیات فراخور موقعیت و فضای غالب بر مکان، نشان‌دهنده زیرکی و کیاست گوینده خطبه است. اصطلاح موفق مغلوب، پارادوکسی است که از فحوای کلام خطیب بر مسبب واقعه، می‌توان اطلاق کرد. استناد خطیب استنتاجی قرآنی است که خطیب آن را به عنوان مصداقی از سنت إمهال پروردگار به مخاطب گوشزد کرده است: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾ (سوره روم، آیه ۱۰) تکذیب آیات پروردگار و عدم توجه به فرصت‌هایی، که برای تصحیح رفتار به آن‌ها داده شده این پارادوکس را رقم زده است: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (آل عمران، آیه ۱۷۸) ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران، آیه ۱۶۹) مکان و موضع این آیات در واحدهای معنایی خطبه، مفید معانی خاص است. استفاده از عباراتی با استفهام تقریری و طرح پرسش‌هایی در خطبه با توجه به اینکه هر دو مشارک اصلی گوینده و گیرنده کلام بر آن موضوع آگاهی دارند، هدفی جز وادار کردن مخاطب به پذیرش اشتباه خود ندارد: «اظنت یا یزید...»، «امن العدل یا ابن الطلقا...»، «آتسیت قول الله...» طرح این پرسش‌ها و به‌کار بردن واژه‌های تعاملی گفتاری، فضا را به صحنه گفتگو نزدیک کرده است.

عبارات ندایی خطبه با لحاظ فعل کلامی مقدر، گاه با استنادات قرآنی و دعایی، پروردگار را مورد خطاب قرار داده، تا مجازات خویش را در حق عاملان این حادثه، عملی و جاری سازد: «اللَّهُمَّ خُذْ لَنَا بِحَقِّنَا وَانْتِقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا وَأَحْلِلْ غَضَبَكَ بِمَنْ سَفَكَ دِمَاءَنَا وَقَتْلَ حُمَاتِنَا...» گاه منادا با همان فعل های کلامی مقدر، خلیفه است: «أَمِنْ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَحْدِيرَكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَسَوْفَكَ بِنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ص سَبِيَا قَدْ هَتَكَتْ...» (سید بن طاووس، ۱۳۸۸: ۲۵) ای پسر آزادشدگان! آیا رسم عدالت این است که زنان و کنیزکان خود را پشت پرده و در حجاب نگه داری و با دختران رسول الله (ص) مانند اسپران رفتار کرده، پرده حجابشان را بدری و چهره هایشان را آشکارسازی. خطاب های ندایی و ساختارهای کلامی موجود در خطبه بعد اندازی و تهدیدی گفتار را قوت بخشیده است.

باید توجه داشت که گزندگی این سخنان، با لحاظ مقام مخاطب یعنی خلیفه برای هر خطیبی جز این خطیب، عواقب سوئی را به دنبال می داشت. فرآیند گفتاری به تنهایی حامل گزندگی های موجود در خطبه نمی تواند باشد بلکه قیود دیگری مانند اسناد لفظ «آكله الاكباد» و «ابن الطلقاء» به مقام خلیفه، اثرگذاری فرآیند گفتاری را تقویت و تأیید کرده است. فراتنش اندیشگانی به تنهایی و بدون توجه به موقعیت های سخن و بدون توجه به قیود مرتبط با فعلها نمی تواند حامل تمام پیامهایی باشد که کلام متضمن آن است.

۳-۳. فرآیند رفتاری

فرآیند رفتاری جزو فرایندهای فرعی است و شامل افعال نفس کشیدن، خوابیدن، نگاه کردن، گریه کردن، لبخند زدن، نشستن و... می شود. (هلیدی، ۱۳۹۳: ۲۷) این فرآیند دارای یک مشارک به نام رفتارگر است. تشخیص این فرآیند، دشوار است زیرا ملاک تشخیصی ثابت ندارد و می توان، آن ها را نمادی از دو فرآیند لفظی و ذهنی دانست که از جنبه های تقریباً مادی بازنمایی شده اند. (تولان، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

با توجه به موضوع و محتوای خطبه، فرآیند رفتاری در جایگاه ویژه ای قرار دارد. در خطبه توصیف حالات رفتاری با افعالی مانند: نَطَّرَتْ، قَامَتْ، يَتَصَفَّحُ، يَسْتَهْزِئُونَ، اسْتَهْلُوا، نَكَاتٌ و مانند اینها بیان شده است.

فرآیند رفتاری			
فقامت زینب (س) علی بن ابی طالب		نَطَّرَتْ فِي عَطْفِكَ	
رفتارگر	فرآیند رفتاری	رفتارگر	فرآیند رفتاری
زینب (س) رفتارگر	فقامت	ضمیر متصل «ت»	نظرت
لا یستهزون		يَتَصَفَّحُ وَجُوهُنَّ الْقَرِيبِ	
ضمیر واو متصل	یستهزون	القرب البعید والدنی و الشریف عطف القرب	یتصفح

وَلَا تُمِيتُ وَقِينَا		يَسْتَشِيرُ فُهْنُ أَهْلِ الْمَنَاهِلِ	
وَلَا تُمِيتُ	ضمیرات مستتر	یستشر فهن	اهل المناهل
فَأَهْلُوا وَاسْتَهْلُوا فَرِحًا		مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا بِالسِّنْفِ وَالشَّانِ	
اهلو استهلوا	ضمیر او متصل	نظر	ضمیر هو متصل
وَقَدْنَكَاتِ الْحَرَمَةِ		مَنْ لَفْظُ فُوهُ أَكْبَادِ الْأَزْكَيَاءِ	
قدنکات	ضمیر متصل	لفظ	من
أَنْكَ سَلَّتْ وَبَكِمَتْ		تَنْكَتُ بِمَحْضَرِ لِك	
سلت بکمت	ضمیر متصل	تنکت	انت مستتر

کنش‌های رفتاری مذکور در خطبه نشان‌دهنده توجه و اهمیت به حالات رفتاری مشارکین در صحنه است. در واقع، حضرت زینب (س) با بیان وقایع مهم از طریق فرآیند رفتاری، زمینه‌ای را برای درک و فهم کامل‌تر وقایع رخ داده، ایجاد کرده و تلاش نموده از بافت فکری جامعه، تصویری عینی و ملموس ارائه کند. با توجه به جدول فرآیند رفتاری، متذکرمی شود که ظرافت‌های معنایی و قرابت‌های ماهوی برخی از فعل‌ها، باعث شده تا قرار گرفتن آن‌ها در برخی فرایندها، قرین به اشتراک باشد به همین دلیل برخی فعل‌ها به اعتبار جنبه معنایی در این فرآیند قرار داده شده‌اند. افعالی که در فرآیند رفتاری خطبه قرار دارند، از بعد برجسته‌سازی رفتار و تأثیر سخن، قابل ملاحظه‌اند. نکته دیگر اینکه کنش‌هایی چون دیدن و نگریستن اگر از سر عبرت و پند باشد، می‌تواند در طیف فرآیند ذهنی هم طبقه‌بندی شود. قابل توجه است، که دستور فرانش، بین کنش‌های خوف و اضطراب با کنش‌های هیجان و سرور تفاوتی قائل نشده است. در این دستور روح کنش‌ها، مغفول می‌ماند و عیار جسم آن‌ها محک زده می‌شود. دستور فرانش در حیطه جزئی خود موفق است ولی به‌تنهایی برای بیان تمام رسالت متن وافی و کافی نیست.

۳-۴. فرآیند ذهنی

فرآیند ذهنی بیانگر تجربه‌های ذهنی، فکری، ادراکات و اندیشه‌های نویسنده است و فعل‌های فکر کردن، گمان کردن، ترسیدن، دوست داشتن، دانستن و درک کردن در زمره این فرآیند است. (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۱) این فرآیند دو طرف دارد: حسگر و آنچه که مورد احساس و درک قرار می‌گیرد و پدیده نام دارد.

فعل‌هایی از مصدر گمان کردن، فراموش کردن، دیدن، دانستن، درک کردن، کافر شدن، امید داشتن و.... بخش قابل ملاحظه‌ای از مفاهیم و مندرجات این خطبه را تشکیل می‌دهد.

فرایند ذهنی					
ظَنَنْتَ			رَأَيْتَ الدُّنْيَا لَكَ مُفْتَوْتَةً		
حسگر	پدیده	فرایند ذهنی	حسگر	پدیده	فرایند ذهنی
ضمیر متصل	اخذت	ظَنَنْتَ	ضمیر متصل	الدنیا	رَأَيْتَ
نَسِيتَ قَوْلَ...! تعالی			وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا		
ضمیر متصل	قول	نسبت	الذین	کفر	لایحسبن
زَعَمْتَ أَنْكَ تَنَادِيهِمْ			تَتَوَدَّنَ أَنْكَ شَلَّتْ		
ضمیرانت مستتر	اشیاخک	زعمت	ضمیرانت مستتر	أَنْكَ شَلَّتْ	تَتَوَدَّنَ
وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا			سَيَعْلَمُ مَنْ سَوَّلَ لَكَ		
ضمیرانتم مستتر	الذین قتلوا	لا تحسبن	ضمیر هو مستتر	مَنْ سَوَّلَ لَكَ	سَيَعْلَمُ
وَلَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا			وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا		
ضمیرانت مستتر	أَمَدَنَا	لا تُدْرِكُ	ضمیر متصل او	کفر	كَفَرُوا
يَحْسِبَنَّ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ			سَيَعْلَمُ مَنْ سَوَّلَ لَكَ		
ضمیر هو مستتر	الخلافة	يَحْسِبَنَّ	ضمیر هو مستتر	خصمیماً	سَوَّلَ
کیف یرتجی مراقبه					
			مراقبه (نائب فاعل) من...		
			یرتجی		

در فرایند ذهنی کنش‌ها اغلب به قصد اقناع مخاطب به کار گرفته می‌شوند. اقناع، ممکن است به تثبیت باورها منجر شود یا به تشویش، تزلزل و یا تصحیح آن‌ها منتهی گردد. عباراتی که در آن فرایند ذهنی خطبه به کاررفته و جملات دنباله آن، نشان می‌دهد که خطیب، به قصد تفهیم، انذار، تصحیح و تغییر باورهای مخاطب اصلی اهتمام نموده است. مسبب حادثه کربلا که مخاطب واقعی خطبه هم قلمداد می‌شود، خود خلیفه است. گزینش و چینش افعال در فرایند ذهنی خطبه، توجه دادن مخاطب به اندیشه‌های نادرست و ناروایی است که یزید را به چنین اقدام خطیر و هولناکی واداشته است. حضرت زینب (س) خطاب مستقیم به یزید را با افعال «ظَنَنْتَ» و «نَسِيتَ» و «زَعَمْتَ» و «تَظَنَّ» و «لایحسبن» آغاز می‌کند و با استمرار این نوع افعال، غلبه توهم به حق بودن بر ذهنیت مخاطب را به تصویر می‌کشد. مقصود گوینده آن است که سستی و ناصواب بودن بنیان‌های فکری مخاطب را نشان دهد. در ادامه با ذکر اعمال به وقوع پیوسته، که البته در حیطه فرایند مادی طبقه‌بندی شدند، مستندات را ارائه نمود تا نایجابی و قباحات اعمال ناپسند خلیفه را برجسته و بارز کند. می‌توان استنباط کرد، که گوینده سعی داشته است در ابتدای خطبه،

با فرآیند ذهنی اندیشه مخاطب را به چالش بکشد و در ادامه با فرایندهای مادی، ردیلت‌ها و اعمال ناپسند یزید را تجسم بخشد. چینش فرآیند ذهنی در کنار فرآیند مادی بر این نکته صحنه می‌گذارد که گوینده خطبه به ملموس کردن و عینیت بخشیدن به وقایع اهتمام نشان داده است. این مساله به متن عینت بیشتری بخشیده تا هدف خطبه، بدون ابهام و تأویل به مخاطب عرضه شود. با توجه به این موارد و مقتضیات و شرایط و نوع عملکردی که به بیان خطبه منجر گردیده است، فرآیند ذهنی، جایگاه ویژه و خاصی را در ابلاغ پیام به خود اختصاص داده است.

۳-۵. فرآیند ربطی

فرایند ربطی، جزو فرایندهای اصلی است و به توصیف و شناسایی و رابطه‌اسنادی بین دو مفهوم می‌پردازد. این فرآیند با افعال بود، شد، به نظر رسید، گشت، است و گردید، بیان‌شده و در دو وجه وصفی و شناسایی بیان می‌شود. (هلیدی، ۱۳۹۳: ۲۶) در این فرآیند برای انتقال مفاهیم از عنصر توصیف، استفاده‌شده و رابطه‌ای هویتی و اسنادی را نشان می‌دهد.

فرایند ربطی					
نعم الوکیل			ثم کان عاقبه الذین کفروا		
فاعل	مسند	فرایند ربطی	فاعل	مسند	فرایند ربطی
سوی	کفر	کان	الله	وکیل	نعم
بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا			لَکِنَّ الْعُیُونَ عَبْرَى وَ الصُّدُورَ حَرَى		
ضمیر هو مستتر	بَدَلًا	بِئْسَ	العیون	عبری	تکون (مقدر)
			الصدور	حری	تکون (مقدر)
حَسْبُكَ بِاللَّهِ حَاكِمًا					
ضمیرانت مستتر	بِاللَّهِ حَاكِمًا	حَسْبُكَ			

خطبه نشان می‌دهد فرآیند ربطی، نسبت به دیگر فرایندها بسامد کمتری دارد. دلیل آن به ماهیت فرآیند رابطه‌ای برمی‌گردد که اغلب مشتمل بر افعالی است که سکون، عدم اضطراب، آرامش و انسجام را القاء می‌کنند. این خطبه به اعتبار ماقوع و هر آنچه از شدت و خشونت در ماجرای کربلا رخ داد، صحنه‌ای است که ماهیتاً متشنج است و با سکون و آرامش همخوانی ندارد. البته نکته مهم این است که آن مقدار اندک از افعال فرایند ربطی که در خطبه وجود دارند بسیار مناسب انتخاب شده‌اند. گوینده در مواردی که به ذکر فرآیند ربطی پرداخته، بیشتر به توصیف حالات و وقایعی پرداخته که مبین عواقب حسرت‌بار واقعه کربلا است: «لَکِنَّ الْعُیُونَ عَبْرَى وَ الصُّدُورَ حَرَى» در پایان خطبه، حضرت زینب (س) با تکیه بر فرآیند ربطی به ذکر صفات رحمانی خداوند پرداخته و او را در هر امری وکیل و ناظر می‌داند. پروردگاری که

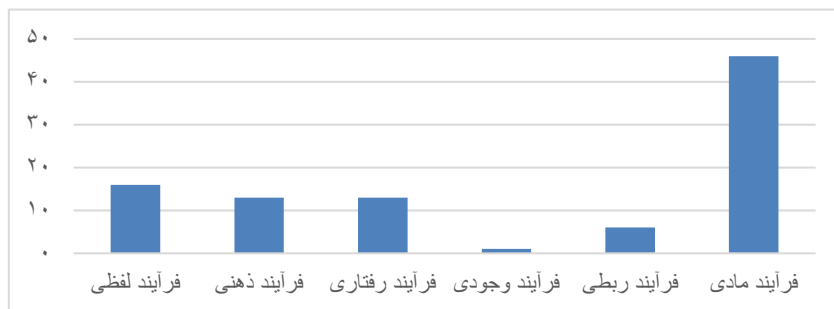
حضورش مایه تسلی قلب‌های اندوهگین است. باید توجه داشت در متون گفتمان‌محور این فرآیند کمتر عرضه می‌شود. البته انطباق کامل این فرآیند بر زبان عربی به دلیل ویژگی‌های خاص آن، قدری تفاوت پیدا می‌کند. در این فرآیند همانند فرآیند مادی، وجه توصیفی غلبه دارد. با این تفاوت که بین فرآیند مادی و ربطی از نظر فراوانی مصادیق، ارتباط تقریباً معکوسی وجود دارد.

۳-۶. فرآیند وجودی

فرآیند وجودی، مرز بین فرآیند رابطه‌ای و مادی است و بر افعالی مانند وجود داشتن و رخ دادن دلالت می‌کند «این فرایندها از این جهت که گویای اتفاق و حادثه‌ای هستند، نزدیک به فرآیند مادی‌اند و از دیگر سو چون بیانگر وجود و یا بودن چیزی‌اند، به فرآیند رابطه‌ای می‌مانند. تنها شرکت‌کننده در فرآیند وجودی عنصر موجود است که از لحاظ ماهیتی، شخص، شیء، اتفاق یا مفهومی انتزاعی می‌تواند باشد. اگرچه فرآیند وجودی در گفتمان کمتر اتفاق می‌افتد، اما در متون بسیار دیده می‌شود». (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۱) در متن خطبه به‌دشواری می‌توان نمونه‌ای برای فرآیند وجودی یافت. البته شاهد مثال ذکر شده را می‌توان فرآیند ربطی نیز محسوب کرد. فرایندهای ربطی و وجودی در پایان جلوه کمتری دارند و شاید دلیل آن همخوانی نداشتن این فرآیند با هدف خطبه قلمداد گردد. این دو فرآیند در متون روایتی و داستانی بسامد بیشتری دارند.

اَيَسَّ مَعَهُمْ مِنْ رِجَالِهِمْ وَلِيٌّ	
فرآیند وجودی	وجود
لیس	ولی

بسامد هر فرآیند نشان‌دهنده هدفی است که در متن خطبه نهفته است. بسامد پایین این فرآیند مؤید این نکته است که در متون گفتمان‌محور این فرآیند کارایی کمتری دارد. حضور این فرآیند اغلب در جهت عینیت بخشی به فرآیند اصلی است.



جدول فراوانی فرایندهای فرانش اندیشگانی در خطبه

با دقت در متن خطبه شام و درک ارتباط آن با جامعه‌ای که متن در بافت آن ایجاد شده است، می‌توان به کارکرد و معنای اجتماعی خطبه دست‌یافت. انتخاب فرایندهای فعلی توسط حضرت زینب (س) در خطبه شام، به‌طور نظام‌مند متأثر از واقعه کربلا است. بین فرایندهای فعلی به‌کاربرده شده در خطبه و چارچوب اجتماعی، فرهنگی زمان ایراد خطبه رابطه نزدیکی وجود دارد و با دسته‌بندی فرایندها جهان‌بینی، تجارب و تفکرات گوینده آشکار شده است.

نتیجه

نوع فرایندهای به کار گرفته‌شده در متن خطبه، براساس نظریه نقش‌گرای هلیدی، تناسب معناداری بین بافت موقعیتی متن و چینش فرایندها نشان می‌دهد. مندرجات گفتاری و زبانی که در این خطبه تحلیل شد، نشان می‌دهد که خطبه یکی از مستدل‌ترین و منطقی‌ترین نمونه‌هایی است که قابلیت بحث از ابعاد مختلف زبانشناسی را داراست. تحلیل، مبین آن است که چینش فرایندها در خطبه شام امری تصادفی و اتفاقی نبوده است. هر فرآیند به‌تناسب مقصود، متضمن القائات معنایی مناسب خود بوده است. فرآیند مادی، به‌قصد ایجاد تصویر واقعی و عینی به‌کاررفته است. خطیب با به‌کارگیری افعال مادی بر وجود کنشگر، به‌عنوان عامل اصلی وقایع رخ‌داده، تأکید کرده است. همراه کردن پی‌درپی فرایندهای مادی، مبین سعی خطیب در عینیت‌بخشی به وقایع کربلا و حوادث پس‌از آن است. فعل‌های فرآیند مادی در بعد ساختاری و زبانی، مدلول معنایی‌شان را برجسته ساخته‌اند تا هماهنگی بین کارکرد ساختاری و مفهوم خطبه، واقعی و مؤثر نمایانده شود. فعل‌های فرآیند مادی از بعد معنایی بر جنایت واقع‌شده تأکید می‌کنند و از جنبه ساختاری، مبین شدت و غلظت کنش‌ها هستند. فزونی فرآیند مادی، نشان‌دهنده اهمیت واقعه‌ای است، که رخ‌داده است. بسامد بالای این فرآیند در خطبه نشان داد که حضرت زینب (س) سعی کرده است فقط راوی نباشد، بلکه تحلیل‌گر وقایع نیز باشد. می‌توان چنین استنباط کرد که سایر فرایندها در خدمت بسط و تقویت این فرآیند به کار گرفته شده‌اند.

فرآیند لفظی، در جایگاه دوم قرار دارد. این فرآیند بیشتر، با خطاب مستقیم و استنادات قرآنی سعی در معرفی عامل اصلی واقعه کربلا دارد. شاخصه فرآیند کلامی در خطبه، مبین آن است که خطبه جنبه گفت‌وگویی دارد. نقل‌قول‌های قرآنی که در طول خطبه، مکرر به آن استناد می‌شود، جنبه کلامی متن را قوت بخشیده است. گزینش هوشمندانه آیات فراخور موقعیت و فضای غالب بر مکان بوده است. زیرکی و کبیاست خطیب، بر اساس استنادات قرآنی، از مسبب واقعه، چهره‌ای موفق و درعین‌حال مغلوب ارائه داده است.

فرآیند ذهنی بیانگر احساسات و اندیشه‌ها و تجلی دنیای درون گوینده است. این فرآیند در رتبه سوم قرار دارد. کنش‌ها در فرآیند ذهنی اغلب به‌قصد اقناع، به کار گرفته شده‌اند. عبارات مشتمل بر فرآیند ذهنی

به کاررفته و جملات دنباله‌آن، نشان می‌دهد که خطیب بر جنبه تفهیم، انذار، تصحیح و تغییر باورهای مخاطب اصلی اهتمام نموده است. گزینش و چینش افعال در فرآیند ذهنی خطبه، توجه دادن مسبب حادثه کربلا به خطای فکری ناروایی است که او را به چنین اقدام خطیر و هولناکی واداشته است. استفاده از خطاب مستقیم و افعال امر و نهی متوالی، همه به جهت قدرت انگیزشی قوی آن‌ها برای تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب بوده است.

در فرآیند رفتاری کنش‌های مذکور در خطبه، به حالات رفتاری مشارکین در صحنه اهمیت داده‌اند. در واقع، حضرت زینب^(س) با بیان وقایع مهم از طریق فرآیند رفتاری، زمینه‌ای را برای درک و فهم کامل‌تر وقایع، ایجاد کرده و تلاش نموده از بافت فکری جامعه، تصویری عینی و ملموس ارائه کند. فرآیند ربطی به ترتیب در جایگاه بعدی قرار دارد. فرآیند ربطی نسبت به دیگر فرایندها، بسامد کمتری دارد. دلیل آن به ماهیت فرآیند رابطه‌ای برمی‌گردد که اغلب مشتمل بر افعالی است که سکون، آرامش و انسجام را القاء می‌کنند. این خطبه به اعتبار ماقوع و هر آنچه از شدت و خشونت در ماجرای کربلا رخ داد، صحنه‌ای است که ماهیتاً متشنج است و با سکون و آرامش همخوانی ندارد.

آخرین فرایندی که در خطبه، به‌ندرت می‌توان نشانی از آن یافت، فرآیند وجودی است. اصولاً در گفتمان کمتر از این فرآیند بهره برده می‌شود. حضور این فرآیند، اغلب در جهت عینیت‌بخشی به فرآیند اصلی است.

با توجه به آنچه بیان شد و براساس نظریه هلبیدی که زبان را موجودی اجتماعی قلمداد می‌کرد، کلیت متن خطبه همچون برشی از بافت فرهنگی و اجتماعی، به‌گونه‌ای صریح و قابل اندازه‌گیری در زبان تجلی پیدا کرده است. ویژگی‌های شخصیتی خطیب، قوت طبع، استدلال قوی، بافت موقعیتی کلام باعث شده تا متن خطبه از انسجام مضمونی قوی برخوردار گردد. تحلیل خطبه براساس فرآیند انگیزشی، مبین آن بود که مفاهیم متن اصلی و رسالت خطیب در القای پیام، به‌خوبی نمایانده شده است. این تحلیل در برجسته کردن بعد واقع‌گرایی متن و اقتناع مخاطب دارای اثر قابل توجه است.

منابع

- قرآن کریم.

منابع فارسی

- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی؛ چاپ دوم تهران: علمی و فرهنگی.

- ابوالحسنی، زهرا و مریم السادات میر مالک ثانی. (۱۳۸۷). «بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هالییدی و مقایسه آن با متون همسان غیردرسی»؛ سخن سمت، شماره ۲۰، ص ۱۲۹-۱۴۳.
- امینی، رضا. (۱۳۹۱). «تحولات معنایی و ساخت اطلاع آغازگرهای اسنادی»؛ فصلنامه جستارهای زبانی، د ۴، ش ۴، صص ۱-۲۹.
- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). روایت‌شناسی؛ درآمدی زبان‌شناختی-انتقادی؛ ترجمه سید فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- حسینی اجداد نیاکانی، سید اسماعیل. (۱۳۸۸). «تجزیه و تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب (س) در کوفه»؛ نشریه سفینه، دوره ۶، شماره ۲۲، ۱۰۵-۱۲۰.
- حق‌بین، فریده. (۱۳۸۲). بررسی صوری نقشی و شناختی تعدی در زبان فارسی، پایان‌نامه دوره دکتری زبان و ادب فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۷۸). زبان‌شناسی نظری (پیدایش و تکوین دستور زایشی)؛ تهران: انتشارات سخن.
- رحمان پور نصیر محله، فاطمه و نرگس انصاری. (۱۳۹۸). «بازتاب جنسیت در سبک گفتار زنانه و مردانه از منظر رابین لیکاف (مورد پژوهی خطبه امام سجاد ع و حضرت زینب (س) در کوفه»؛ علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۹۴، ۵۸ تا ۹۳.
- رنجبر حسینی، محمد و مریم اسلامی‌پور. (۱۳۹۹). «تحلیل‌های اقتباس‌های قرآنی خطبه حضرت زینب (س) در شهر شام»؛ پژوهش‌نامه معارف حسینی، پیاپی ۱۷، ۷-۲۶.
- روشنفکر، کبری و دانش محمدی. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان ادبی خطبه حضرت زینب- (س)»؛ سفینه، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۲۷-۱۴۹.
- سارلی، ناصر قلی و طاهره ایشانی. (۱۳۹۰). «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)»؛ دو فصلنامه زبان پژوهشی. س ۲، ش ۴، صص ۵۱-۷۷.
- سجودی، فروزان. (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی کاربردی؛ تهران: انتشارات علم.
- سیدبن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۸). لهوف؛ ترجمه محمد اسکندری، تهران: پیام عدالت.

- عرب زوزنی، محمدعلی و محمد رضا پهلوان نژاد. (۱۳۹۴). «بررسی ساختار گذرایی در خطبه ۲۰ هفتم نهج البلاغه بر اساس فرا نقش تجربی نظریه نقش گرا»؛ فصلنامه پژوهشی پژوهش نامه نهج البلاغه، سال سوم، شماره ۹، ۱-۲۶.
- غفاری، مهرخ. (۱۳۸۳). بررسی دو مجموعه از کتاب‌های آموزش زبان فارسی از دیدگاه نظری نقش‌گرایی هالیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی، نظریه، رویکردها و روش؛ تهران: انتشارات سخن..
- لیوون، تئوون. (۱۳۹۵). آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی؛ ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات علمی.
- مجیدی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های سبکی کشف‌المحجوب با رویکرد نظریه انتقادی در چارچوب دستور نقش‌گرای هالیدی»؛ پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، ۱۵۶-۱۲۳.
- نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل دوغزل از خاقانی و حافظ بر مبنای نظریه نقش‌گرای سیستمی»؛ زبان و ادب فارسی، سال ۶۶، شماره ۲۲۷، بهار و تابستان، ۱۳۵-۱۱۳.
- نصرآوی، محمد. (۱۳۹۴). «درآمدی بر گفتمان کاوی تاریخی مطالعه موردی خطبه حضرت زینب (س) در شام»؛ پژوهشنامه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۲۱، شماره ۵۷، ۶۷-۹۴.
- نیازی، شهریار و زینب قاسمی اصل. (۱۳۹۷). تحلیل زبان شناختی متون عرب (با تکیه بر دستور نقش‌گرای هالیدی)؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هالیدی، مایکل و رقیه حسن. (۱۳۹۳). زبان، بافت، متن، ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی؛ ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات سپاه‌رود.

References

- The Holy Quran
- Aghagolzadeh, Ferdows. (2015). critical discourse analysis, 2nd publication, Tehran: scientific and cultural.
- Abolhassani, Zahra & Maryam Al-Sadat Mir Malek Thani. (2008). "investigating academic textbooks based on Halliday's systemic functional linguistics and comparing it with non-textbook similar texts"; Sokhan SAMT, No 20, pp: 129-143.

- Amini, Reza. (2012). "semantic transformations and information structure of documentary initiators"; quarterly of linguistic essays, issue 4, No 4, pp: 1-29.
- Toolan, Michael. (2007). Narratology; a linguistic-critical introduction; translated by Seyyed Fatemeh Alavi & Fatemeh Nemati, Tehran: SAMT.
- Hosseini Ajdadi Niakani, Seyyed Esmail. (2009). "literary analysis of Zaynab bint Ali's sermon in Kufa"; Safineh Publications, issue 6, No 22, 105-120.
- Haghbin, Farideh (2003). nominal, functional and cognitive investigation of violation in Persian language, PhD thesis of Persian language and literature, Allameh Tabataba'i University.
- Dabir Moghaddam, Mohammad (1999) theoretical linguistics (the creation and evolution of generative grammar); Tehran: Sokhan publications.
- Rahmanpour Nasir Mahaleh, Fatemeh & Narges Ansari. (2019) "the reflection of gender in feminine and masculine speech style in Robin Lakoff's point of view (case study: sermon of al-Sajjad and Zaynab bint Ali in Kufa)"; hadith sciences, winter 2009, No 94, 58-93.
- Ranjbar Hosseini, Mohammad & Maryam Eslamipour. (2020) analyses of Quranic adaptations from Zaynab bint Ali's sermon in Levant"; Hosseini Teachings Journal, serial 17, 7-26.
- Roshanfekar, Kobra & Danesh Mohammadi. (2009) "literary analysis of Zaynab bint Ali's sermon in Kufa"; Safineh Publications, year 6, No 22, pp: 127-149.
- Sarli, Nasser Gholi & Tahereh Ishani. (2011) "the theory of cohesion and cohesive harmony and its usage in a minimal story (Story of Ladder)"; bi-quarterly of linguistics. Year 2, No 4, pp: 51-77.
- Sojoudi, Forouzan. (2011) applied semiotics; Tehran: Elm Publications.
- Seyyed Ibn Tavous, Ali Ibn Musa. (2009) Lahoof; translated by Mohammad Eskandari, Tehran: Payam-e Edalat.
- Aran Zouzani, Mohammad Ali & Mohammad Reza Pahlevan Nejad. (2015) "investigating transitivity structure in 27th sermon of Nahj al-Balagha based on experimental metafunctions of functional theory"; Nahj al-Balagha research journal, year 3, No 9, 1-26.

- Ghaffari, Mahrohk. (2004) investigating two works of Persian language teaching books from Halliday's functional theory point of view, MA thesis, Shahid Beheshti University.
- Fotouhi, Mahmoud (2011) stylistics, theory, approaches and method; Tehran: Sokhan Publications.
- Leeuwen, Theo van. (2016) familiarization with social semiotics; translated by Mohsen Nobakht, Tehran: Elmi Publications.
- Majidi, Fatemeh and others (2014) "investigating stylistic features of Kashf al-Mahjub with critical theory approach in the framework of Halliday's functional grammar"; mystical literature studies (Gohar Gouya), year 8, year 2, serial 27, 123-156.
- Nabilou, Alireza (2013) "investigating and analyzing two ghazals by Khaqani and Hafez based on systemic functional theory"; Persian language and literature, year 66, No 227, spring and summer, 113-135.
- Nasroui, Mohammad. (2015) "an introduction on historical discourse analysis, case study: Zaynab bint Ali's sermon in Levant"; journal of historical studies of Quran and hadith, issue 21, No 57, 67-94.
- Niazi, Shahriar & Zeinab Ghasemi Asl. (2018) linguistic analysis of Arabic texts (relying on Halliday's functional grammar); Tehran: Tehran University Publications.
- Halliday, Michael & Ruqaiya Hasan. (2014) language, context, text and language dimensions from social semiotics perspective, translated by Mohsen Nobakht, Tehran: Siahroud Publications.



فصلية لسان مبین العلمية

(بحوث في اللغة العربية وآدابها)

الترقيم الدولي الموحد للطباعة: ۲۳۵۵-۸۰۰۲

الترقيم الدولي الإلكتروني: ۳۵۱۶-۲۶۷۶



تحليل الدور الفكري لخطاب السيدة زينب (س) بناءً على إتجاه هاليدي الوظيفي*

رضا رضائي^{۱*} ، محدثه دلارام نجاد^۲

^۱ *أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة سيستان وبلوشستان، زاهدان، إيران.

^۲ طالبة دكتوراه، قسم اللغة الفارسية وآدابها، جامعة سيستان وبلوشستان، زاهدان، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:	مقالة محكمة
تاريخ الوصول:	۱۴۰۰/۰۸/۱۶
تاريخ القبول:	۱۴۰۱/۰۱/۲۳
الكلمات المفتاحية:	اللغويات الوظيفية، هاليدي ، خطاب السيدة زينب، الفكرة.

الاقتباس: رضائي، رضا، دلارام نجاد، محدثه (۱۴۰۱) تحليل الدور الفكري لخطاب السيدة زينب (س) بناءً على إتجاه هاليدي الوظيفي، مقالة محكمة، السنة الثالثة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الثامن والأربعون، صيف ۱۴۰۱: ۶۴-۴۱.



المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2022.16472.3324

الناشر: جامعة الإمام الخميني الدولية حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.